

نویسنده: ساسن فیاض منش «Sasan Fayazmanash».
منبع و تاریخ نشر: کونترپانچ «2026-03-13».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

این اسرائیل است، احمق!

It's Israel, Stupid!



منبع عکس: کاخ سفید - مالکیت عمومی

دومین جنگ آمریکا علیه ایران در کمتر از یک سال، پرسش داغی را در رسانه‌های عمومی مطرح کرده است: منطق جنگ چیست و چرا در حال تغییر است؟ آیا به این دلیل است که مذاکرات با ایران بر سر برنامه هسته‌ای‌اش پیشرفتی نداشت؟ آیا به این دلیل است که ایران به توسعه سلاح‌های هسته‌ای نزدیک بود؟ آیا به این دلیل است که موشک‌های بالستیک ایران به زودی به ایالات متحده می‌رسند؟ آیا به این دلیل است که اسرائیل قصد حمله به ایران را داشت و ایالات متحده اقدامات پیشگیرانه‌ای را برای تضمین امنیت آمریکایی‌ها انجام داد؟ آیا به این دلیل است که دولت ایران حقوق بشر را نقض می‌کرد؟ یا چیز دیگری است؟ مطبوعات در ایالات متحده نتوانسته‌اند این توجیه در حال تغییر را درک کنند. اما این موضوع عجیب است. آیا رسانه‌ها در چند دهه گذشته خواب بوده‌اند؟

ربع قرن پیش، من در یک کنفرانس اقتصادی، در مورد سیاست خارجی ایالات متحده در قبال ایران سخنرانی کردم. سخنرانی من با این جمله به پایان رسید که سیاست ایالات متحده در منطقه خلیج فارس مجموعه‌ای از «سیاست‌های متأسفانه کوتاه‌بینانه» بوده است، عبارتی از مادلین آلبرایت، وزیر امور خارجه سابق ایالات متحده، قرض گرفتم. من استدلال کردم که این سیاست‌ها به طولانی شدن عمر دولت مذهبی در ایران کمک کرده است. من معتقد بودم که بدون تهدید مداوم دشمنان خارجی، این دولت هیچ کس را جز خودش برای مشکلات اجتماعی و اقتصادی‌اش سرزنش نمی‌کرد.

در مقاله‌ام، توضیح دادم که چگونه اسرائیل و گروه‌های لابی‌گر آن در ایالات متحده، معماران اصلی سیاست ایالات متحده هستند. توضیح دادم که چگونه آنها سه توجیه یا به قول من «گناه» برای توجیه مجازات ایران ارائه داده‌اند:

(1) گسترش سلاح‌های کشتار جمعی،

(2) حمایت از «ترور».

(3) مخالفت با «روند صلح» اسلو بین اسرائیل و فلسطینیان.

با این حال، من استدلال کردم که هدف واقعی اسرائیل همیشه سرنگونی جمهوری اسلامی بوده است، هدفی که اکنون عموماً به عنوان «تغییر رژیم» شناخته می‌شود. منطق پشت این هدف این بود که ایران و عراق تنها دو کشور در خاور میانه بودند که مانعی برای ایجاد اسرائیل بزرگ (Eretz Yisrael) ایجاد می‌کردند، که قرار بود کرانه باختری، غزه و احتمالاً مناطق بیشتری را در بر بگیرد.

مقاله کنفرانس به عنوان مقاله‌ای در یک مجله اقتصادی منتشر شد و بعداً به یک کتاب دو جلدی گسترش یافت. در کتاب، من سه گناه اصلی را مورد بحث قرار دادم و اشاره کردم که مخالفت ایران با روند صلح اسلو در نهایت با کنار رفتن خود اسرائیل از این روند کنار گذاشته شد. با این حال، با گذشت زمان گناهان بیشتری به دو گناه باقی مانده اضافه شد. من از آن به عنوان یک «گزینه فهرست» برای سرنگونی دولت ایران یاد کردم. به عنوان مثال، نئوکان‌ها در دولت جورج دبلیو بوش این فهرست را گسترش دادند تا شامل اتهام بی‌ثبات کردن افغانستان توسط ایران، پناه دادن به القاعده، فقدان دموکراسی، حکومت افراد غیرمنتخب، نقض حقوق بشر، عدم حمایت از حقوق زنان، آینده‌نگر و مدرن نبودن و غیره شود.

همچنین استدلال کردم که نئوکان‌ها از یک گزینه فهرست برای حمله به عراق نیز استفاده کردند، حتی با اینکه اسرائیل آنها را به حمله به ایران سوق می‌داد. اما آنها نتوانستند بوش، یک رئیس‌جمهور با چالش فکری، را وادار به همراهی و بمباران ایران کنند. گذشته از همه اینها، بوش قبل از حمله به عراق، رؤیای صحبت با خدا را در سر می‌پروراند. همانطور که در آثار دانشگاهی‌ام و در مجله کانترپانچ نوشته‌ام، نتانیاهو،

شیطان بزرگ اسرائیل و قصاب غزه، نه را به عنوان پاسخ قبول نمی‌کرد و به هر دولت آمریکایی فشار می‌آورد تا به ایران حمله کند. او هیچ موفقیتی نداشت، تا اینکه مردی دیوانه، که توسط عوامل اسرائیل، از جمله دامادش و یک دوست املاک و مستغلاتش احاطه شده بود، کنترل دولت ایالات متحده را به دست گرفت.

مردی که تا به امروز حتی نمی‌تواند نام ژنرال ایرانی که دستور ترورش را در سال ۲۰۲۰ داده بود، یا نام «رهبر معظم» ایران که در سال ۲۰۲۶ به قتل او کمک کرده بود را تلفظ کند، سرانجام کاری را که نتانیا هو می‌خواست انجام شود، انجام داد: حمله به ایران به نمایندگی از اسرائیل. همانطور که در مقاله ژوئیه ۲۰۲۵ خود برای این مجله نوشتم، اولین حمله به هدف نتانیا هو مبنی بر «تغییر رژیم» و بازگرداندن سلطنت در ایران منجر نشد. بنابراین، نتانیا هو به فشار ادامه داد. او از ژوئیه ۲۰۲۵ چندین بار به کاخ سفید سفر کرد تا نقشه مرگ و نابودی در ایران را طرح‌ریزی کند.

همانطور که بسیاری از ناظران تیزبین متوجه شده‌اند، هدف نه تنها «تغییر رژیم» بلکه تجزیه ایران نیز تغییر کرده است، چیزی که اسرائیل قبلاً با آن بازی کرده بود، همانطور که من در آثارم استدلال کرده‌ام. جدا کردن کردستان و احتمالاً بلوچستان، آذربایجان، خوزستان و غیره از ایران تضمین می‌کند که هیچ کشوری در منطقه وجود نخواهد داشت که بتواند رویای اسرائیل بزرگ را خراب کند. دیوانه کاخ سفید و همچنین سازمان سیامی او، خیلی زود از توصیه قصاب اسرائیلی پیروی کردند و برای دامن زدن به قیام در کردستان تلاش کردند، بازی بی‌رحمانه‌ای که قبلاً بارها با کردها، از جمله در عراق و سوریه، انجام شده است. اما این بار، کردها در دام اسرائیل-آمریکا نیفتادند و به نظر می‌رسد که این ایده منتفی شده است. بنابراین، فعلاً، دیوانه کاخ سفید و دوست تشنه خون او در اورشلیم به کشتن و نابودی هر چیزی که در ایران دیده می‌شود ادامه می‌دهند. آنچه در ادامه، همانطور که این مقاله در حال نگارش است، فراتر از پیش بینی است. وقتی دیوانگان آزاد باشند، هر اتفاقی ممکن است رخ دهد. بنابراین، اگر هنوز نمی‌دانید، ایالات متحده به یک دلیل و فقط یک دلیل به ایران حمله کرد: اسرائیل. اسرائیل، آن هیولای فرانکشتاین که توسط ایالات متحده و اروپایی‌ها ساخته شده است، دهه‌هاست که ایالات متحده را به جنگ ویرانگر علیه ایران ترغیب می‌کند. اسرائیلی‌ها بالاخره به نتیجه دلخواه خود رسیده‌اند. اگر فکر می‌کنید این عراق است، فقط یک روز پس از حمله دوم به ایران به نتانیا هو گوش دهید: ما در حال مبارزه‌ای هستیم که در آن تمام توان ارتش اسرائیل را، بیش از هر زمان دیگری، به میدان نبرد می‌آوریم تا وجود و آینده خود را تضمین کنیم. اما ما همچنین در این مبارزه از کمک ایالات متحده، دوست من، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده و ارتش ایالات متحده استفاده می‌کنیم. این ائتلاف نیروها به ما اجازه می‌دهد کاری را که من ۴۰ سال آرزوی انجام آن را داشته‌ام، انجام دهیم: رژیم ترور را از پا درآوریم. این چیزی است که من قول داده‌ام - و این کاری است که ما انجام خواهیم داد. (بیانیه نخست وزیر نتانیا هو - ۱ مارس ۲۰۲۶) تمام توجیهات دیگری که ارائه شده، مزخرف محض است. ایران سلاح هسته‌ای ندارد و حتی برنامه‌ای برای توسعه آن ندارد.

طبق گزارش جامعه اطلاعاتی خود ایالات متحده، ایران برنامه تسلیحات هسته‌ای خود را در سال ۲۰۰۳ متوقف کرد. در سال‌های اخیر، آنها اورانیوم را به عنوان یک برگ برنده برای لغو تحریم‌های خفقان‌آوری که بیش از چهار دهه توسط ایالات متحده و شرکای اروپایی‌اش بر این کشور اعمال شده بود، تا نزدیک به ۶۰ درصد غنی‌سازی کردند. آنها بارها تلاش کردند تا با ایالات متحده به توافقی برای محدود کردن سطح غنی‌سازی و رقیق کردن اورانیوم غنی‌شده با غنای بالا در ازای کاهش تحریم‌ها برسند، اما فایده‌ای نداشت. ایران همچنین موشک‌های بالستیکی ندارد که بتواند به ایالات متحده برسد.

موشک‌های ایرانی در بهترین حالت می‌توانند به جنوب اروپا برسند. بنابراین، ایران نه با سلاح‌های هسته‌ای و نه با موشک‌های بالستیک تهدیدی برای ایالات متحده ایجاد نمی‌کند. بله، جمهوری اسلامی در مورد مخالفت‌ها بی‌رحم است. اما بی‌رحم‌ترین نیرو و بزرگترین تأمین‌کننده خشونت در جهان امروز، اسرائیل است و ایالات متحده نیز از آن عقب نیست. باور این که این نیروها هرگز نگران مخالفان در ایران باشند، دشوار است. به هر حال، ایالات متحده و اسرائیل قبل از انقلاب ۱۹۷۹ هیچ اعتراضی به نقض حقوق بشر توسط رژیم شاه نداشتند. من ارائه خود را در سال ۲۰۰۱ با این جمله به پایان رساندم که «سیاست‌های متأسفانه کوتاه‌بینانه» ایالات متحده تنها به طولانی‌تر شدن عمر حکومت دینی در ایران کمک کرده است. به نظر می‌رسد که پس از یک ربع قرن، ما از سیاست‌های کوتاه‌بینانه فراتر رفته و به قلمرو سیاست‌های دیوانه‌وار و جنایتکارانه رسیده ایم. صرف نظر از اینکه سیاست‌های ایالات متحده را چگونه نامگذاری کنیم، نتیجه تضمین طول عمر حکومت دینی در ایران بوده است. این را در نظر بگیرید: یک «رهبر معظم» ۸۶ ساله توسط پسر ۵۶ ساله‌اش جانشین شد، سناریویی که بدون اقدامات دیوانگان در واشنگتن و اورشلیم بعید بود!

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله:

ساسان فیاض‌منش اسناد بازنشسته اقتصاد در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، فرزنو، و نویسنده کتاب «مهار ایران: سیاست «دیپلماسی سخت» اوپاما است. با او می‌توان از طریق sasan.fayazmanesh@gmail.com تماس گرفت.

----- با احترام «2026-03-17»

.....

